مجلهٔ مطالعات باستان شناسی، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ، شمارهٔ پیاپی ۴
مجلهٔ سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

حمام حاج میرحسن قزوین؛ گرمابه‌ای از اوایل دوره قاجار

دکتر پریوش اکبری
دانش آموخته دوره دکتری باستان شناسی دانشگاه تهران
دکتر هایده لاله
استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه تهران
علی شجاعی اصفهانی
دانشجوی دوره دکتری باستان شناسی دانشگاه تهران
(از ص ۱۹۳ تا ۲۱۹)
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۹/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۸/۳۰

چکیده:

حمام‌های عمومی در زمرهٔ ابنیهٔ عام‌المنفعه‌ای هستند که با ظهور دین اسلام،که مقدمهٔ بسیاری از فرائضش تطهیر است، در سراسر قلمرو اسلام گسترش یافتند. متأسفانه از آغاز دوران اسلامی تا قرن هشتم هجری قمری، نمونه‌ای پابرجا از حمام‌های عمومی در ایران باقی نمانده است، اما از دورهٔ صفوی و به‌ویژه دورهٔ قاجار حمام‌های عمومی بسیاری در سراسر ایران هنوز پابرجاست. یکی از شهرهایی که تعداد زیادی حمام عمومی قدیمی در آن وجود دارد، قزوین است. از حمام‌های پیش از دورهٔ صفوی در این شهر نمونهٔ پابرجایی نمیشناسیم و در متون کهن پیش از این دوران نیز به‌جز نام حمام قمک و حمام مسلم به نام دیگری برنمیخوریم، اما منابع دورهٔ صفوی به احداث حمام‌های متعدد در شهر در این دوره اشاره کرده و جهانگردان خارجی هم، که در این عصر از قزوین دیدن کرده‌اند، به تعدد و زیبایی گرمابه‌های عمومی این شهر اشاره کرده‌اند. امروزه از دورهٔ صفوی حمام‌های بلور و قجر برجاست که هردو مرمت و بازسازی شده و به موزه تغییر کاربری یافته‌اند. در دورهٔ قاجار نیز تعداد زیادی گرمابه در قزوین احداث شد. ادیب‌الممالک، دولتمرد دورهٔ قاجار، از ۵۰ باب حمام عمومی در شهر قزوین در زمان خود یاد کرده که ۱۵ باب از آنها در زمرهٔ حمام‌های مشهور بوده‌اند. یکی از حمام‌های مشهوری که وی از آن نام میبرد حمام حاج میرحسن است. این حمام، که قدیمی‌ترین حمام به‌جامانده از دورهٔ قاجار است، در سال‌های اخیر مرمت و بازسازی شده و در حال حاضر به موزه و فرهنگسرا تغییرکاربری یافته است.

واژه‌های کلیدی: *قزوین، قاجار، حمام، حاج میرحسن، معماری، آب.*

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: akbari@yahoo.com

مقدمه

حمام‌های عمومی در زمرهٔ ابنیهٔ عام‌المنفعه‌ای هستند که پس از گسترش دین اسلام، که مقدمهٔ بسیاری از فرائضش طهارت و تغسیل است، در سراسر قلمرو امپراتوری اسلامی رواج یافتند. تأکید اسلام بر نظافت و پاکیزگی تا آنجاست که پیامبر اکرم(ص) میفرمود: «ان الاسلام نظیف فتنظفوا فانه لا یدخل الجنه الا نظیف» همانا اسلام پاکیزه است. پس شما نیز پاکیزه باشید؛ زیرا جز فرد پاکیزه وارد بهشت نخواهد شد (نهج‌الفصاحه، ۱۳۶۴، ۱۲۵).

با اینکه پیامبر (ص) مسلمانان را بشارت داده بود که «ستفتح علیکم ارض العجم و ستجدون فیها بیوتا یقال له الحمامات» به‌زودی سرزمین عجم بر شما گشوده خواهد شد و شمایان در آن خانه‌هایی به نام حمام خواهید یافت (الحلبی الشافعی، بی تا، ۳۷۷) و نیز هیچ سخنی در مخالفت با حمام نفرموده بود، در آغاز دوران اسلامی ساخت حمام‌های عمومی با مخالفت‌هایی از جانب برخی مسلمانان متعصب مواجه شد. آنان حمام را تجملی بیهوده می‌دانستند که پیامبر و صحابه از آن چشم پوشیدند و می‌گفتند حمام مکانی است که در آن عورت انسان آشکار می‌شود، صدا در آن می‌پیچد و صدای *قرآن* شنیده نمی‌شود (همانجا). به‌رغم این مخالفت‌ها، حمام‌های عمومی از جانب عامهٔ مسلمانان، که توان و امکان کافی برای ساخت حمام در منزل شخصی خود نداشتند، با اقبال مواجه شد و به‌سرعت جایگاهی مهم در کنار سایر ابنیهٔ اسلامی همچون مساجد، مقابر و مدارس کسب کرد (پاپادوپلو، ۱۳۶۸، ۱۰۷؛ عبدالستار، ۱۳۷۶، ۳۳۴).

حمام‌های عمومی، که شرایط تطهیر برای ادای فرائض دینی اسلام را فراهم می‌آورد، علاوه بر اجر معنوی، عواید مادی سرشاری نیز داشته است. بلاذری در قرن سوم هجری قمری، درآمد یکی از ۹۰ حمام عمومی موجود در بصرهٔ آن زمان را روزانه هزار درهم ذکر کرده است. نکتهٔ جالب توجه دیگر نام بردن این مؤلف از زنانی است که حمام‌دار بوده‌اند (بلاذری، ۱۳۴۶، ۲۱۱). این بناها در طول دوران اسلامی نه فقط محلی برای استحمام و تطهیر، بلکه مکانی برای استمرار روابط اقتصادی و اجتماعی بودند. حمام‌های عمومی نقش رسانه را نیز ایفا میکردند و یکی از کانون‌های پخش اخبار بودند (درووبل، ۱۳۶۴، ۶۵). از سوی دیگر، فضای نه‌چندان روشن و پیچ‌درپیچ حمام محیط مناسبی را برای انجام انواع سحر و جادو مهیا می‌کرد (شهری، ۱۳۵۷، ج۱، ۲۷۷-۲۸۳). همچنین تأثیر حمام در بهبود برخی بیماری‌ها ازجمله دردهای رماتیسمی و مفصلی و انجام برخی از روش‌های معالجهٔ طب سنتی، همچون فصد و حجامت و گرتراشی در آن، از منظر پزشکی جایگاهی ویژه به حمام‌ها میبخشید (شهری، ۱۳۵۷، ج۱، ۲۵۷- ۲۵۹). از این رو، عالمان و طبیبان برجسته‌ای در طول دوران اسلامی ایران فصلی از تألیفات خود را به حمام اختصاص داده و آن را از منظر پزشکی و درمانی بررسی کرده‌اند؛ برای مثال ابن‌سینا در کتاب *قانون در طب* (ابن سینا، ۱۳۵۷، ۲۳۷-۲۴۰)، زکریای رازی در *رساله فی الحمام و منافعه و مضاره* (محقق، ۱۳۴۹، ۱۵۱)، ابن بطلان بغدادی در کتاب *حفظ‌الصحه* (ابن بطلان،۱۳۶۶، ۱۵۳- ۱۶۳)، محمدکاظم گیلانی ملک‌الاطبا در کتاب *حفظ‌الصحهٔ ناصری* (ملک الاطبا، ۱۳۸۸، ۱۵۵-۱۴۵) و محمدکریم‌خان کرمانی در *رسالهٔ دلاکیه* (برقعی، ۱۳۸۸، ۶۸- ۶۹) مطالبی دربارهٔ حمام به رشتهٔ تحریر

درآورده‌اند. پولاک، پزشک دربار قاجار در دورهٔ ناصرالدین شاه، نیز ضمن اشاره به ارزانی نرخ حمام‌های عمومی و پراکنش منطقی آنها در سطح شهرهای ایران و شایستگی تبعیت از این موضوع برای جامعهٔ غربی آن زمان، تأثیر مثبت حمام ایرانی را در مداوای دردهای رماتیسمی و مفصلی باور داشته است (پولاک، ۱۳۶۱، ۲۴۷).

حمام‌ها به علت اینکه مدام در معرض رطوبت و مواد خورنده همچون آب گرم، صابون و نوره قرار داشته‌اند، آسیب‌پذیرتر از سایر ابنیه بوده‌اند (فخارتهرانی، ۱۳۸۴، ۱۹). قدیمی‌ترین حمام‌های شناخته‌شدهٔ پابرجا در ایران، همچون حمام افوشتهٔ نطنز و میرعماد کاشان در دورهٔ تیموری احداث شده‌اند و در طول زمان تغییرات و تعمیرات زیاد در آنها انجام شده است. بقایای نمونه‌های قدیمی آنها از صدر اسلام تا دورهٔ تیموری، فقط از کاوش‌های باستان‌شناختی به دست آمده است؛ برای نمونه میتوان از حمام شوش مربوط به سدهٔ اول تا سوم هجری (چوبک، ۱۳۷۶، ۵۴۰)، حمام سیراف سدهٔ سوم و چهارم هجری (Withehouse,1972, 78)، حمام های بیشابور (شاه محمدپور، ۱۳۷۹، ۱۳۹- ۱۵۸) و حمام جرجان مربوط به سدهٔ چهارم هجری (Kiani ,1984, 22- 28)، حمام کنگاور مربوط به سدهٔ چهارم تا ششم هجری (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴، ۲۸)، بقایای حمام مکشوفه از قنات‌تپهٔ نیشابور مربوط به دورهٔ سلجوقی (Wilkinson,1986, 267-289) و حمام شهر حریرهٔ کیش مربوط به دورهٔ ایلخانی (موسوی، ۱۳۸۴، ۱۳-۱۷) نام برد، اما از دورهٔ صفویه و به‌ویژه از دورهٔ قاجار تعداد زیادی حمام در شهرها و روستاهای ایران برجای مانده که هنوز تحقیق کامل و جامعی دربارهٔ آنها صورت نپذیرفته است.

قزوین از جمله شهرهایی است که تعداد چشمگیری حمام قاجاری در آن وجود دارد که برخی همچون حمام رضوی، حمام خان، حمام حاج میرزاکریم، حمام حاج ملاتقی، حمام صفا، حمام گلشن هنوز دایرند. برخی همچون حمام‌های قجر، بلور و حاج میرحسن تغییر کاربری یافته و به موزه تبدیل شده‌اند و بقیه تعطیل شده و یا به عنوان انبار یا کارگاه از آنها استفاده می‌شود (رک. جدول پیوست).

از میان حمام‌های یادشده با توجه به اسناد موجود، حمام حاج میرحسن قدیمی‌ترین حمام قاجاری قزوین است زیرا در سرلوحه سندی مربوط به تاریخ ۱۲۱۵ق از حاج میرحسن با عنوان جنت‌مکان، صفتی خاص درگذشتگان، (تصاویر ۷و۶)[1] ، یاد شده است . باتوجه به این نکته تاریخ احداث حمام پیش از ۱۲۱۵ق است. ازسوی دیگر، حمام حاج میرحسن از معدود حمام‌هایی است که از آسیب‌های ناشی از نوسازی‌ها و خیابان‌کشی‌های دورهٔ پهلوی در امان مانده و ساختار کلی خود را حفظ کرده است. تعمیرات و بازسازی‌های سال‌های اخیر نیز مانع شناسایی فضاهای حمام برای اهل فن نیست. براین اساس، این حمام میتواند شاخص مقایسه‌ای مناسبی برای بررسی سیر تطور گرمابه‌های قزوین از دورهٔ صفوی تا پایان دورهٔ قاجار باشد. حمام حاج میرحسن در واقع یکی از عناصر مهم مجموعه‌ای شامل حمام، آب‌انبار، کاروانسرا و منازل اعیانی نه‌چندان پرتجمل بوده است که نقش اساسی در شکل‌دهی و توسعهٔ محلهٔ دیمج داشته است.

این مقاله نخست به پیشینهٔ حمام‌های عمومی قدیمی قزوین میپردازد که بیانگر تداوم سنتی مبتنی بر آموزه‌های دینی اسلام و باورهای عرفی و نیز نمادی از رونق و آبادانی وکثرت جمعیت شهر در ادوار اسلامی

است. سپس حمام حاج میرحسن را بررسی می‌کند که همان‌گونه که گفته شد یکی از عناصر اصلی در شکل‌دهی و توسعهٔ محلهٔ دیمج بوده است.

جدول حمام‌های قدیمی موجود در شهر قزوین (اکبری، ۱۳۷۹، ۲۶۴-۲۶۶)

ردیف	نام حمام	موقعیت کنونی	موقعیت در بافت کهن شهر	قدمت	کاربری	ملاحظات
۱	آخوند	خیابان مولوی	محلهٔ آخوند-میدانگاه	پهلوی	حوضچهٔ پرورش ماهی آکواریوم	بر روی بقایای دورهٔ قاجار ساخته شده است.
۲	بلاغی	خیابان محمدیه	فشتهول و بلاغی	قاجار	تعطیل-حمام	دبیرسیاقی معتقد است که احتمالاً حمام باجی خاتون دورهٔ صفویه است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۶).
۳	بلور	خیابان منتظری-کوچهٔ تبریز	محلهٔ آخوند	صفوی-قاجار	موزهٔ سنگ	دراختیار سازمان نوسازی شهرداری قزوین
۴	بویندرکوچه (نوبهار)	خیابان شهدا-کوچهٔ بویندر	محلهٔ خیابان	قاجار	حمام-دایر	باتوجه به مساحت ۱۷۰مترمربع، احتمالاًحمام سرخانه بوده است.
۵	پیرحصار	خیابان آیت‌الله کاشانی	محلهٔ گلبینه	قاجار	گاراژ و تعمیرگاه اتوموبیل، به‌شدت آسیب دیده	تخریب توسط مالک انجام شده است.
۶	تنکابنی (نو)	خیابان مولوی چهارراه بازار	محلهٔ سوق‌الاغنام	قاجار	تعطیل-حمام	در تملک میراث فرهنگی
۷	حاج ملاتقی (شهید ثالث)	خیابان مولوی	محلهٔ دیمج	قاجار	حمام-دایر	بانی حمام، حاج ملاتقی برغانی، از مجتهدان بنام دورهٔ قاجاربوده است که به دست بابیه ترور شد و لقب شهید ثالث یافت (نور محمدی، ۱۳۸۱، ص۹۳-۱۰۰).
۸	حاج میرحسن	خیابان مولوی-کوچه خطیبی	محلهٔ دیمج	قاجار	فرهنگسرا	دراختیار سازمان نوسازی شهرداری قزوین
۹	حاج محمدصادق	خیابان سعدی	محلهٔ سوق‌الاغنام	قاجار	تعطیل-حمام	به‌شدت آسیب دیده و در حال تخریب است.

۱۰	حاجی بیگلر	خیابان راه آهن	محلهٔ خیابان	قاجار	تعطیل-حمام	سربینه توسط مالک که قصد ساخت‌وساز بنای دیگری به جای حمام داشته، کنده شده و مقداری تخریب شده است.
۱۱	خان	خیابان امام خمینی	محلهٔ سوق‌الاغنام	قاجار	حمام-دایر	بانی حمام، مولاوردیخان، از اغنیای دورهٔ قاجار، نوه و همنام با جدش، بیگلربیگی قزوین، در دورهٔ زندیه بوده است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱،ص۵۷۳-۵۷۴).
۱۲	داروغه	خیابان ملک‌آباد	محلهٔ پنبه‌ریسه	قاجار	تعطیل-حمام	به علت اختلاف میان وراث، از طرف دادگستری پلمپ شده است.
۱۳	دودرب	خیابان سعدی جنوبی	محلهٔ سوق‌الاغنام	قاجار	تعطیل-حمام	
۱۴	راه ری	خیابان راه آهن- کوچه راه ری	محلهٔ راه ری	قاجار	تعطیل-حمام	به گفتهٔ مالک نام دیگر حمام، میرزاعلی‌اکبر است.
۱۵	رضوی (شاه)	خیابان امام خمینی	محلهٔ سوق‌الاغنام	قاجار	حمام-دایر	بانی حمام فتحعلی‌شاه قاجار بوده است (گلریز، ۱۳۶۸،ج۱، ص۳۲۶).
۱۶	روشن	خیابان شهدا (سپه)	محلهٔ خیابان	قاجار	کارگاه مبل‌سازی	
۱۷	سردار	خیابان سردار- کوچهٔ رفیعی	محلهٔ سوق‌الاغنام	قاجار	حمام-دایر	بانی حمام حسین خان سردار قاجار از سرداران دلیرجنگ‌های ایران و روس (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴، ص۲۹).
۱۸	سعدیه	خیابان امام خمینی داخل سرای سعدالسلطنه	محلهٔ سکه شریحان	قاجار	درحال بازسازی و تغییر کاربری زمان بازدید نگارنده ۱۳۸۸ش. بهار	بانی حمام سعدالسلطنه، حاکم قزوین در زمان ناصرالدین شاه (ورجاوند، ۱۳۷۷، ج۱، ص۳۵۳).
۱۹	سیدیان	خیابان شهدا (سپه)	محلهٔ خیابان	قاجار- صفوی	تعطیل- حمام	در تملک سازمان میراث فرهنگی، داخل حریم مسجد جامع واقع است.

۲۰	شیخ‌الاسلام	خیابان شهدا- کوچه چاقوسازان	محلهٔ خیابان	قاجار	حمام - به شدت آسیب دیده	
۲۱	صفا (حاج محمدرحیم)	خیابان مولوی	محلهٔ خندقبار	قاجار	حمام-دایر	این حمام تنها حمام دوقلوی موجود در قزوین است. بانی حمام، حاج محمدحسن، ازمتمولان قزوین دردورهٔ قاجار بوده است. حاج محمد رحیم نام برادر اوست (ورجاوند ،۱۳۷۷ج۳،ص۱۹۶۰-۱۹۶۱).
۲۲	قجر	خیابان عبید زاکانی	محلهٔ درب کوشک	صفوی قاجار	موزهٔ مردم‌شناسی	به استناد کتیبهٔ سردر، حمام در زمان شاه عباس دوم صفوی احداث شده و در دورهٔ قاجار مرمت و بازسازی شده است.
۲۳	گلشن	خیابان انصاری	محلهٔ سکه شریحان	قاجار	حمام-دایر	
۲۴	مقدم (کلانتر)	خیابان سلامگاه	محلهٔ راه ری	قاجار	حمام-دایر	
۲۵	میرزا کریم	خیابان انصاری	محلهٔ پنبه‌ریسه	قاجار	حمام-دایر	

حمام‌های قدیمی قزوین به استناد متون

شهر قزوین در دامنهٔ جنوبی سلسله جبال البرز و در دشتی واقع است که رودخانهٔ دائمی ندارد، این شهر همواره در چالشی مداوم با کم‌آبی بوده است. یعقوبی در *البلدان* می‌نویسد قزوین دارای دو رودخانه است که در زمستان آب در آنها جریان دارد و در تابستان قطع می‌شود (یعقوبی،۱۳۴۳، ۴۵). این دو رود همان دو رود فصلی دزج و ارنزک است که امام رافعی در *التدوین* (۱۳۷۶، ج۱، ۴۸- ۴۹) و حمدالله مستوفی در *تاریخ گزیده* (۱۳۶۴،۷۷۹) و قزوینی در *آثارالبلاد* (۱۳۷۳، ج۲، ۲۱۶) از آنها نام می‌برند و همچنین در متون و اسناد دورهٔ صفوی و قاجار نیز به همین نام آمده‌اند (ورجاوند،۱۳۷۷، ج۱، ۲۲و ۲۹ - ۳۳) و اکنون نیز این دو رودخانهٔ فصلی به همین نام خوانده می‌شوند. اصطخری (۱۳۷۳، ۲۰۸)، ابن حوقل (۱۳۴۵، ۱۱۳)، صاحب *حدودالعالم* (۱۳۶۲، ۱۴۲) و ناصرخسرو (۱۳۵۴، ۵) نیز در تألیفات خود به کمبود آب در قزوین اشاره می‌کنند. مؤلفان یاد شده همچنین می‌نویسند آب مصرفی شهر از طریق قنات تأمین میشود و به‌رغم کمبود آب، شهر بارونق، آباد و حاصل‌خیز است. ابن خردادبه خراج سال ۲۷۳ق قزوین را تقریباً معادل هشت برابر خراج زنجان و ابهر با هم ذکر کرده است (۱۳۰۶، ۲۴۴ و۲۵۰).

در دوره‌های بعد نیز بر مبنای آنچه امام رافعی (۱۳۷۶، ج۱، ۴۸- ۵۱)، یاقوت حموی (۱۳۷۴ق، ۱۰۸۹)، قزوینی(۱۳۷۳،۲۱۶)، حمدالله مستوفی (۱۳۶۲، ۵۸)، امین احمدرازی (۱۳۷۸، ج۳، ۱۵۵- ۱۵۶) و میرزا محمد حسین فراهانی (۱۳۶۲، ۲۶) نگاشته‌اند، قزوین شهری مشهور، آباد، بارونق و حاصل‌خیز بوده و آب مصرفی شهر از قنوات تأمین می‌شده است. کشت آن دیم بوده و باغات را یک‌بار در سال سیلاب رودخانه‌های فصلی دزج و ارنزک کفایت می‌کرده است.

انتخاب قزوین به عنوان پایتخت در سال ۹۶۲ق توسط شاه طهماسب صفوی بر اهمیت این شهر افزود (قاضی قمی، ۱۳۵۹، ج۱، ۳۱۲-۳۱۳ و ۳۷۸ - ۳۷۹). شاه طهماسب اقدامات وسیع عمرانی در این شهر انجام داد؛ از جمله این اقدامات احداث حمامات متعدد در شهر بوده است. واله اصفهانی در *خلد برین* (۱۳۷۲، ۳۹۷- ۳۹۸)، اسکندربیک منشی در *عالم‌آرای عباسی* (۱۳۵۰، ج ۱، ۱۲۳- ۱۲۴) و استرآبادی در *تاریخ سلطانی* (۱۳۶۴، ۵۳ و۹۰) به این اقدامات عمرانی اشاره می‌کنند. عبدی‌بیگ نیز شرح این عمران و آبادانی‌ها را در قالب شعر در مثنوی-های *جنه الاثمار* (۱۹۷۹، ۸-۲۵)، *دوحه الازهار* (۱۹۷۴، ۱۱۶- ۱۲۶)، *روضه الصفات* (دبیرسیاقی۱۳۸۱، ۱۴۱) و *زینه الاوراق* (۱۹۷۹، ۱۹- ۴۳) آورده است. جمعیت قزوین را در اوج آبادانی‌اش در دورهٔ صفوی ۳۵۰هزار نفر برآورد کرده‌اند (اروج‌بیک، ۱۳۳۸، ۲۳۵). در آن زمان، که منابع آب موجود به‌سختی تکافوی جمعیت دومین تختگاه دولت صفوی را می‌کرده است، اندیشهٔ آوردن آب رودخانهٔ شاهرود، که مسیرش در ۳۰ کیلومتری قزوین قرار دارد، همچون راهکاری برای مقابله با کمبود آب در پایتخت مطرح شده بود (ورجاوند، ۱۳۷۷، ج۱، ۷۸). این طرح، که در اجرا دشوار بود و هزینهٔ بسیاری لازم داشت، با مرگ شاه طهماسب مسکوت ماند.

کمبود آب یکی از دلایل مهمی بود که شاه عباس اول را واداشت تا پایتخت را در سال ۱۰۰۶ق به اصفهان، که به‌زعم او به علت موقعیت جغرافیایی و وجود زاینده‌رود مکان مناسبی بود، انتقال دهد (اسکندربیک منشی،۱۳۵۰، ۵۴۴).

اگرچه پس از انتقال پایتخت به اصفهان از کثرت جمعیت قزوین کاسته شد، اما قزوین همواره یکی از شهرهای مهم ایران، پس از پایتخت، باقی ماند و عنوان دارالسلطنه را، که پس از تختگاه شدن در زمان صفویه یافته بود، تاپایان دورهٔ قاجار حفظ کرد. انتقال آب شاهرود به قزوین در زمان شاه عباس و جانشینانش نیز عملی نشد. شاردن در این باره می‌نویسد: «ایرانی‌ها (منظور باید اصفهانی‌ها باشد) از بیم آن که با آوردن آب شاهرود به قزوین این شهر در صفا و زیبایی از اصفهان جلوتر بیفتد و در نتیجه شاهنشاه آنجا را ترک گوید، مانع آوردن آب شاهرود به قزوین می‌شوند» (شاردن، ۱۳۳۶، ج۳، ۳۷).

همان‌گونه که پیشتر گفته شد منابع صفوی به ساخته شدن حمام‌های متعدد در قزوین اشاره می‌کنند. نگارندگان نام حمام شاهی (مدرس طباطبایی، ۱۳۶۱، ۱۳۴- ۱۳۵) حمام امیر غیاث‌الدین (همان،۷۸)، حمام باجی خاتون (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۱۴۶)، حمام مشهور به تختگاه (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۵، ۱۰۲)، حمامی را که اسماعیل میرزا در کنار منازل پری‌خان خانم، دختر شاه طهماسب، ساخت (قاضی قمی، ۱۳۸۳، ج۲، ۱۰۲) در متون و اسناد صفوی یافته‌اند. بی‌تردید تعداد حمام‌ها بسیار بیش از این بوده است. اروج‌بیگ هنگام برآورد جمعیت قزوین

می‌نویسد: «... برای آنکه وسعت شهر مجسم گردد، مساجد آن را شمردم از ۵۰۰ متجاوز است» (اروج بیک، ۱۳۳۸، ۲۳۵). از آنجا که تعداد مساجد و حمام‌های شهر برابر و حتی در مواردی تعداد حمام‌ها بیشتر است (فخارتهرانی، ۱۳۷۹، ۹۹). بنابراین، احتمالاً حدود ۵۰۰ حمام در آن زمان در قزوین وجود داشته است.

ملا جلال منجم‌باشی در ذیل حوادث سال ۱۰۲۰ق در قزوین می‌نویسد که سیلی عظیم در محرم این سال ۶۵ کاروانسرا و حمام را خراب کرد (۱۳۶۶، ۴۱۱). توماس هربرت، که در سال‌های ۱۰۳۷ــ۱۰۳۹ق از جانب چارلز اول، پادشاه وقت انگلیس، به دربار شاه عباس آمده بود، دربارهٔ حمام‌های عمومی قزوین چنین مینویسد: «... حمام‌های عمومی بسیاری در شهر هست که دارای گچبری[۲] و کاشی‌های لاجوردی زیبا هستند. اماکن دیگری نیز هستند با زیبایی کمتر» (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۲۴۲). آدام الئاریوس نیز، که در سال ۱۰۵۶ق به ایران آمده است، در سفرنامهٔ خود (۱۳۶۲، ۱۵۶) به تعداد زیادی گرمابه در شهر قزوین اشاره میکند.

از میان حمام‌های عمومی قدیمی قزوین حمام امیرگونه خان (قجر)، به استناد کتیبهٔ آن، و حمام بلور، با توجه به لایه‌های نقاشی و سبک نگاره‌های آن، به دورهٔ صفوی منسوب‌اند، اما از حمام‌های پیش از صفوی تا کنون نمونه‌ای در شهر قزوین شناسایی نشده است. در بررسی‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناختی هم تاکنون بقایای حمامی از دورهٔ پیش از صفوی به دست نیامده است. در یکی از معتبرترین کتب قرن هفتم هجری قمری، که بخشی مستقل دربارهٔ قزوین دارد، یعنی *التدوین فی اخبار قزوین* نوشتهٔ امام رافعی، از مساجد، مقابر، مدارس، خانقاه‌ها، کتابخانه‌ها، دروازه‌ها و محلات شهر نام می‌برد، اما نامی از حمام‌ها برده نشده است[۳]. ولی از آنجا که حمام عمومی از ملزومات زندگی شهری ممالک اسلامی بوده است (درویل، ۱۳۶۴، ۶۱؛ عبدالستار، ۱۳۷۶، ۲۳۳؛ کونئو،۱۳۸۴، ۶۹)، بی‌تردید حمام‌های متعددی در قزوین وجود داشته است. حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری قمری می‌نویسد که پس از زلزلهٔ سال ۵۴۰ق در نیشابور، از جمله کسانی که به قزوین مهاجرت کردند قاضی‌القضات تاج‌الدین علی ابن عبدالرزاق بود. وی، که صاحب مکنت بود، بر در مسجد جامع، مدرسه و خانقاه و حمام و باغ و غیر آن ساخت و بر آن موقوفات کرد (مستوفی، ۱۳۶۴، ۸۱۴). او همچنین در شرحی که دربارهٔ قنوات آورده، نوشته است: «... آب این کاریزها تا به جهت خوردن و ریختن و حمامات دربایست باشد، به باغات و زراعات بردن به موجب شرط واقفان روا نیست» (همان، ۷۸۱). این در حالی است که به جز نام حمام مسلم، که طبق روایت مستوفی هولاکو پس از بازگشت پیروزمندانه از الموت در مواجهه با اسماعیلیان، در آن سروتن می‌شوید (همان، ۷۹۳)، به نام حمام دیگری در تألیفات او بر نمی‌خوریم. همچنین در متن وقف‌نامه‌ای مربوط به قنات آخوند (نوک) به تاریخ ۴۵۴ق، که متن آن را مرحوم گلریز در کتاب مینودر آورده است، از حمامی به نام «قمک» در محلهٔ آخوند (بن‌درخت) نام برده شده است. به نظر مرحوم گلریز، نثر وقف‌نامه هیچ شباهتی به نثر قرن پنجم ندارد. همچنین در صورت وجود چنین وقف‌نامه‌ای در سال ۴۵۴ق، احتمالاً امام رافعی و مستوفی میبایست از آن نام برده باشند. بنابراین، یا اصالت سند محل تردید است و یا اینکه تاریخ سند اشتباه است (گلریز، ج۱، ۱۳۶۸، ۳۰۲).

بیشترین تعداد حمام‌های عمومی قزوین از دورهٔ قاجار به جا مانده‌اند. میرزا محمد حسین فراهانی تعداد حمامات شهر را در سال‌های ۱۳۰۲-۱۳۰۳ق ۳۰ باب ذکر کرده (فراهانی، ۱۳۶۲، ۲۰) و عبدالعلی ادیب‌الممالک ۵۰ باب، که به‌نظر وی ۱۵ باب در زمرهٔ حمام‌های مشهور و مابقی غیرمشهور بوده‌اند (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۹، ۴۱). در سرشماری‌های سال ۱۲۹۹ق شهر قزوین نیز ۳۸ باب گرمابه در آمارگیری آمده است (دبیرسیاقی ، ۱۳۸۰)[۴]. ذکر این نکته ضروری است که کدخدایان محلات درب ری (همان، ۱۵۴)، فشتهول و بلاغی (همان، ۲۴۴)، راه چمان (همان، ۲۵۱)، تنورسازان (همان، ۲۶۷) و دباغان (همان، ۲۳۰) در آمار خود ذکری از حمامات به میان نیاورده‌اند، درحالی‌که در محلهٔ درب‌ری (راه ری) گرمابهٔ راه ری یا میرزا علی‌اکبر و در محلهٔ بلاغی گرمابهٔ بلاغی هنوز برجاست. بنابراین، گویا تعداد حمامات بیش از ۳۸ باب بوده و آمار ادیب‌الممالک صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

تاریخچه و موقعیت حمام حاج میرحسن

حمام حاج میرحسن، که ادیب‌الممالک آن را از حمامات مشهور شهر قزوین برشمرده بود (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۹، ۴۱)، به نام بانی آن حاج میرحسن نام‌گذاری شده بوده است. وی پسر میرهادی و نوهٔ میرشاه طالقانی، از سادات معظم قزوین، بود که هنگام تسخیر قزوین به دست افغان‌ها، به طالقان گریخت. بعدها فرزندان او به قزوین آمدند و حاج میرحسن در میان نوادگان میرشاه مقبول عامه شد و ریاست و بزرگی یافت (گلریز، ۱۳۶۸، ج۱، ۳۶۱). رستم‌الحکما در *رستم‌التواریخ* نام وی را در زمرهٔ اغنیا و متمولان صاحب جود و سخا در دارالسلطنهٔ قزوین آورده است (رستم الحکما، ۱۳۷۹، ۳۷۴). بازماندگان حاج میرحسن پس از تشکیل ادارهٔ آمار و ثبت احوال، نام خانوادگی امیرشاهی را به سبب انتساب به میرشاه طالقانی برای خود برگزیدند (گلریز، ۱۳۶۸، ج۱، ۳۶۱). این حمام در خیابان مولوی، که پیش از نوسازی‌ها و خیابان‌کشی‌های دورهٔ پهلوی بستر رودخانهٔ دزج بوده (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۴۶۲)، و در کوچهٔ خطیبی بنا شده است. این کوچه در بافت کهن شهر در محلهٔ دیمج قرار دارد. دیمج یکی از محلات شانزده‌گانهٔ قزوین در دورهٔ قاجار بوده است (دبیرسیاقی، ۱۳۸۰، ۲۴) که در ضلع غربی بافت کهن شهر قراردارد (نقشه ۱). نام این محله در طومار تقسیم آب رودخانهٔ دزج به تاریخ چهاردهم شهر ربیع الاول سال ۱۰۱۳ دیده میشود (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱،۲۲۷). بنابراین، محلهٔ دیمج دست‌کم از اواخر دورهٔ صفوی وجود داشته است ، احتمالاً این محله در دورهٔ صفوی گذر مهمی در محلهٔ بزرگ ابهر بوده که بعداً خود تبدیل به محله شده است. براساس سرشماری محرم سال ۱۲۹۹، محلهٔ دیمج ۱۲۳۴ تن سکنه داشته است (*دبیرسیاقی* ، ۱۳۸۰، ۲۴). دو سهم و نیم از حمام حاج میرحسن به استناد سندی به تاریخ ۱۳۴۳/۷/۱۵ ش که حاوی هزینه تعمیرات حمام است، دست‌کم تا سال ۱۳۴۳ش در تملک خاندان امیرشاهی بوده است (تصویر ۸).

معماری حمام حاج میرحسن

ضرورت رعایت دستورهای فقهی و طبی و نیز تأثیر گفتار محتسبان دربارهٔ چگونگی استحمام، معماران را ملزم به رعایت نکات مورد نظر آنان در طراحی فضاهای حمام کرد. این خود باعث شکل‌گیری سلسله‌مراتبِ

فضاییِ مشابه در حمام‌هادر طول دوران اسلامی شد (فخارتهرانی،۱۳۸۴، ۱۹). ابن اخوه در *آیین شهرداری* (۱۳۴۷، ۱۶۰) می‌نویسد: «بدان که اثر طبیعی گرمابه گرم شدن به وسیلهٔ هوای آن و خیس شدن به وسیلهٔ آب آن است، سرای اول خنک‌کننده و خیساننده و سرای دوم گرم و نرم‌کننده و سرای سوم گرم و خشک‌کننده است.»

فضاهای اصلی در حمام‌های قدیمی به‌گونه‌ای از یکدیگر تفکیک شده‌اند که دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود و از خطر بیماری فرد به دلیل ورود به فضای گرم و خروج ناگهانی به فضای سرد تا حدود زیادی پیشگیری شود (فخارتهرانی، ۱۳۶۶، ۱۷۰). این قاعده در حمام حاج میرحسن نیز رعایت شده است.

مساحت حمام ۸۵۰ متر مربع و دارای تمام عناصر اصلی حمام‌های قدیمی ایرانی شامل هشتی ورودی، بینه، میان‌در، گرمخانه، خزینه و چال‌حوض است (نقشه ۲).

حمام حاج میرحسن در داخل زمین واقع شده و بام آن حدود یک متر و نیم از سطح کوچه ارتفاع دارد. این شگرد علاوه بر اینکه امکان سوار شدن آب قنات را به حمام فراهم می‌آورده، تبادل حرارتی را در زمستان و تابستان میان داخل حمام و فضای خارج آن به حداقل می‌رسانده است و در واقع خاک همچون عایقی حرارتی عمل میکرده است. همچنین قرار گرفتن بنا در دل زمین مقاومت آن را در برابر خطر زلزله افزایش می‌دهد. در بازسازی‌های اخیر، که سازمان نوسازی شهرداری قزوین انجام داده، پیرامون بام حمام با آجر و نردهٔ آهنی دیوارکشی شده است.

ورود به جلوخان نیم هشت حمام با یک پله به ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر از سطح کوچهٔ خطیبی انجام میگیرد. ورودی ایوان‌مانند حمام دارای تزئینات تلفیق کاشی و آجر به رنگ‌های سبز و سیاه است. در ورودی چوبی و جدیدساخت است که به سبک درهای قدیمی حمام‌های قزوین ساخته شده است و کوبهٔ زنانه و مردانه دارد (تصویر ۱).

کتیبه‌ای به خط نستعلیق، که روی سنگ سیاه حجاری شده، برفراز در ورودی نصب شده است (تصویر ۲).

متن کتیبه به این شرح است:

حمام پاک باصفا

زیبا بنای دلگشا

تعمیر شد این حمام

از همت حاجی بابا

۱۳۷۰

این کتیبه، همان‌گونه که از مضمون آن برمی‌آید، مربوط به تعمیر حمام در سال ۱۳۷۰ق است. همان‌گونه که گفته شد بنا پیش از سال۱۲۱۵ق، که حاج میرحسن در قید حیات بوده، احداث شده است. تاریخ۱۳۷۰ق مصادف با سال ۳۰-۱۳۲۹ شمسی است؛ یعنی زمانی که تاریخ قمری کاربرد رسمی نداشته است. براساس

فهرستی که رسول مغاره‌ای، بازرس شهرداری، در تاریخ ۱۳۲۶/۷/۶ش به دستور شهردار وقت، تهیه کرده است، یکی از مالکان و احتمالاً مالک عمدهٔ حمام حاج بابای محمدی بوده است (نورمحمدی، ۱۳۸۸، ۶). پیشتر گفته شد که دو سهم و نیم از سیزده سهم حمام در این تاریخ در اختیارخاندان امیرشاهی بوده است. حاج بابای محمدی پس از تعمیر حمام، این کتیبه را به شعر و سبک و سیاق حمام‌های قدیمی کتیبه‌دار قزوین، همچون حمام قجر، تهیه و بر سردر حمام نصب کرده است.

از درگاه حمام با فرود از چهار پله به ارتفاع تقریبی ۲۰ سانتی‌متر به کف هشتی حمام می‌رسیم. پلان هشتی مربع‌شکل (نقشهٔ ۲) و کف آن آجرفرش است. در دیوارهای هشتی تعدادی طاق‌نما تعبیه شده است که هم فضا را از یک‌نواختی بیرون آورده‌اند و هم تعداد اضلاع را افزایش داده‌اند تا گنبد بر فراز آن برپا شود. از هشتی با یک چرخش ۹۰ درجه وارد دالانی می‌شویم و پس از عبور از پلکانی با هشت پله و به ارتفاع تقریبی ۲/۵ متر، به مدخل ورود به سربینه می‌رسیم.

سربینه فضایی هشت‌وجهی است (نقشهٔ ۲) که سقف آن گنبدی است و نورگیری مدور به قطر تقریبی ۱/۲۰ سانتی‌متر در سقف آن دیده می‌شود. در تعمیرات و بازسازی‌های اخیر، پیرامون این نورگیر هواکش و نورافکن نصب کرده‌اند. پیرامون فضای هشت‌وجهی بینه غرفه‌هایی با طاق جناغی برای رخت‌کن ساخته شده است. غرفهٔ ضلع شرقی بینه (رخت‌کن شرقی) از دو فضای متصل به هم تشکیل شده که هر دو فضا با گنبدهای چهارترک مسقف شده‌اند و نورگیری به قطر تقریبی۵۰ سانتی‌متر دارد. کف غرفه‌ها در حال حاضر ۹۰ سانتی‌متر از کف بینه بالاتر است. در وسط بینه یک حوض هشت‌وجهی سنگی دیده میشود (تصاویر ۳و۴).

ورود به میان‌در از ضلع شمالی بینه میسر است. میان‌در به شکل راهرویی مستطیل‌شکل است که در ضلع غربی آن آبریزگاه و نوره‌کش‌خانه قرار داشته است. در حال حاضر نیز آبریزگاه در این قسمت تعبیه شده است. سقف میان‌در نورگیری مدور به قطر تقریبی ۵۰ سانتی‌متر دارد. از گوشهٔ شمال شرقی میان‌در و با یک چرخش ارگانیک ورود به فضای گرم‌خانه میسر میشود.

گرم‌خانه فضایی چهاروجهی است (نقشهٔ ۲) که پوشش سقف آن گنبدی و دارای نورگیر است. نصب نورگیرهایی موسوم به جام‌خانه، که دارای سوراخ‌هایی بود که در داخل آنها شیشه‌های محدب قرارداده میشد، به منظور حداکثر استفاده از نور طبیعی برای حمام بوده است ؛ زیرا طراحی حمام‌ها به‌گونه‌ای بوده که کمترین تبادل حرارتی با فضای بیرون داشته باشد، این موضوع و نیز رطوبت موجود در حمام‌ها امکان استفاده از وسایل روشنایی همچون پیه‌سوز و چراغ را به حداقل ممکن میرسانده است و درصورت ضرورت، گرمابه‌دار برای پیشگیری از آلودگی هوای حمام پس از رفع ضرورت، چراغ را در خارج از حمام خاموش میکرده است (قبادیان، ۱۳۸۲، ۲۹۰). خزینه در ضلع شمالی گرم‌خانه واقع است و دو دستک (حوضچه) در دو طرف خزینه قرار داشته که اکنون پر شده است.

در ضلع غربی گرم‌خانه خزینهٔ دیگری واقع است. در حال حاضر از این فضا از طریق یک درگاه به فضایی تقریباً مستطیل‌شکل می‌رسیم که با یک رشته پلکان به بام راه می‌یابد. با مقایسه با سایر حمام‌ها، که راه‌یابی

به تون از طریق بام حمام میسر بوده است، و همچنین موقعیت آن، که در پشت خزینه واقع است، این قسمت تون و انبار سوخت حمام بوده که در مرمت‌های اخیر به این شکل درآمده است.

ورود به چال‌حوض (نقشهٔ ۳) که در بازسازی‌های اخیر به آمفی‌تئاتر (نقشهٔ ۴) تبدیل شده است از گوشهٔ جنوب شرقی گرم‌خانه میسر است. پوشش سقف چال‌حوض به صورت طاق و تویزه است و در حال حاضر دو نورگیر مربع‌شکل در سقف تعبیه شده است. کف چال‌حوض را بالا آورده و شیبی ملایم به آن داده‌اند به‌گونه‌ای که عمق اولیه قابل محاسبه نیست. گفتنی است که کاربرد اصلی چال‌حوض منبع ذخیرهٔ آب حمام بوده است و هر موقع نوبت آب حمام بوده، چال‌حوض را نیز پر می‌کرده‌اند تا در موقع لزوم از آب آن برای تأمین آب مصرفی حمام استفاده شود. در فصل گرم، مردان در چال‌حوض شنا و آب‌بازی می‌کرده‌اند. در ضلع جنوبی چال‌حوض اتاقک کوچکی با سقف گنبدی و بدون نورگیر مشاهده می‌شود که کاربرد آن مشخص نیست. احتمالاً مدخل ورود آب قنات به چال‌حوض حمام بوده است.

آب مورد نیاز حمام را در گذشته قنات خمارتاشی، که از محلات دیمج و سکه شریحان می‌گذشته، و نیز قنات شاه، که مظهر آن روبه‌روی حمام شهید بوده (گلریز، ۱۳۶۸، ج۱، ۳۰۶- ۳۰۸)، تأمین می‌کرده‌اند. آب قنات پس از ورود به حمام در مسیرهایی که با تنبوشه‌های سفالی برای آن در نظر گرفته بودند و به کمک فشار ناشی از اختلاف سطح به محل مورد نظر می‌رسیده است. خدمهٔ حمام از مسیر آب اطلاع داشته‌اند و در موقع لزوم با برداشتن و یا گذاشتن یک توپی مسیر آب را باز یا مسدود می‌کرده‌اند. بخشی ازمسیر حرکت آب در داخل تنبوشه‌ها در حمام حاج میرحسن هنگام بازسازی مشاهده شد. گفتنی است که کرجی در بخشی از کتاب *استخراج آب‌های پنهانی* دربارهٔ تنبوشه مطالبی نوشته و دربارهٔ جنس خاک، شکل، اندازه، نحوهٔ اتصال و ملات اتصال به تفصیل توضیح داده است (کرجی، ۱۳۴۵، ۸۸-۹۲ و ۶۰-۶۲) اتصال بین بندهای تنبوشه به وسیلهٔ ملات گل آهک یا ساروج انجام می‌شده است. ترکیب ساروج عبارت است از آهک شکفته، خاکستر، ماسه، پشم و آب که از دیر باز در ایران برای هرگونه آب‌بندی به کار میرفته است (فرشاد، ۱۳۷۶، ۴۲).

حرارت مورد نیاز حمام حاج میرحسن در گذشته، همانند سایر حمام‌های قدیمی ایران، با سوزاندن مواد آلی همچون خار و خاشاک، برگ‌های خشک و فضولات حیوانی در تون تأمین میشد (نجمی، ۲۵۳۶، ۲۱۱). تون خارج از فضای زیستی حمام و در زیر دیگ خزینهٔ حمام قرار داشت. دود ناشی از احتراق مواد آلی در آغاز توسط دودکشی که مستقیماً از تون به بام راه داشته خارج می‌شد. پس از آنکه آتش کاملاً شعله‌ور می‌شد، این دودکش را مسدود کرده، دود و گرمای ناشی از احتراق را وارد شبکه‌ای به نام گربه‌رو در زیر حمام می‌کرده‌اند. ابعاد مسیر گربه‌روها به‌گونه‌ای است که یک انسان بتواند با حالتی خمیده داخل آن رفته، آن را تمیز کند. عبور دود گرم از زیر گرم‌خانه و بینه، منجر به گرم شدن فضای گرم‌خانه و بنیه می‌شده و سرانجام به بام راه می‌یافته است. تعداد گربه‌روها در زیر بینه بسیار کمتر از گرم‌خانه بوده است (قبادیان، ۱۳۸۲، ۲۸۱؛ پیرنیا،۱۳۷۲، ۲۰۰). قسمتی از مسیر گربه‌رو حمام حاج میرحسن هنگام مرمت و بازسازی حمام آشکار گردید و مشخص شد که سامانهٔ گرمایش این حمام نیز همانند سایر حمام‌های قدیمی ایران است.

دربارهٔ سیستم قدیمی دفع فاضلاب حمام حاج میرحسن گزارشی در سازمان میراث فرهنگی موجود نیست و جای آن دارد که این مسئلهٔ مهم نیز مورد بررسی و پی‌گیری قرار گیرد. سیستم قدیمی فاضلاب به احتمال قوی مشابه سایر حمام‌های قدیمی قزوین بوده که گرمابه‌بانان سالخورده طی مصاحبه بیان کردند؛ یعنی به شیوهٔ حفر حلقه چاه‌های متعدد که به‌وسیلهٔ کانال به یکدیگر ارتباط داشته‌اند.

نور حمام سابقاً فقط از طریق نورگیرهای سقف، که اصطلاحاً به آن جام‌خانه می‌گفته‌اند، تأمین می‌شده است. هنگام بازسازی حمام حاج میرحسن از روی بقایای موجود، تعدادی جام‌خانه ساخته و روی نورگیرهای حمام نصب کرده‌اند (تصویر ۵). جام‌خانهٔ حمام نیم‌کره‌ای سفالی است که سوراخ‌هایی دارد که داخل آن شیشه‌های محدب تعبیه شده است. بعضی از این شیشه‌ها متحرک بوده‌اند تا در موقع لزوم تهویه نیز انجام شود (همان، ۲۸۹). این شیشه‌های محدب، آفتاب را با هر زاویه که می‌تابیده است به درون حمام هدایت می‌کرده‌اند. همچنین فضای داخل حمام به هیچ‌وجه از طریق این شیشه‌ها دیده نمی‌شده است.

مرمت و بازسازی حمام حاج میرحسن، که در اختیار سازمان نوسازی شهرداری قروین قرارگرفته، در سال ۱۳۸۷ش به پایان رسیده و هم اکنون این بنا به موزه و فرهنگسرا تغییر کاربری یافته است (نقشهٔ ۴). ضمن ارج نهادن به زحمات اشخاص و سازمان‌هایی که برای حفظ کالبد فیزیکی این بنای تاریخی ارزشمند تلاش کرده‌اند، به نظر می‌رسد که برخی تغییرات و تعمیرات انجام شده در این حمام به اصالت بنا لطمه زده است؛ مثلاً بالا و پایین بردن کف بعضی فضاها، مثل تونک و چال‌حوض حمام، و یا کاستن و افزودن برخی دیوارهای جداکننده تشخیص کاربری را برای بینندهٔ عادی دشوار می‌سازد. همچنین ضروری است مصالحی که برای تعمیر و مرمت به کار میرود با دقت، احتیاط و آینده‌نگری بیشتری انتخاب شود. درحال حاضر اندود گچ، که برای روکار فضای داخلی حمام به کار رفته، در بسیاری از قسمت‌ها نم داده و طبله کرده است. استفاده از مصالحی کاملاً نو و ناهمگون مثل سرامیک نیز سیمای تاریخی بنا را تا حدودی مخدوش کرده است. شایان ذکر است که شماری از کارشناسان بر این باورند که اصولاً گرفتن رطوبت از بنایی که از اساس برای مجاورت با آب و رطوبت طراحی و ساخته شده است، کار صحیحی نیست؛ زیرا آهک و ساروجِ به کار رفته در حمام‌ها در مجاورت دائم با آب و رطوبت محکم‌تر می‌شده است. نبودِ رطوبت این مصالح را پوک کرده، خطر تخریب بنا را در درازمدت در پی خواهد داشت. از سوی دیگر هیچ گزارشی از پژوهش‌های باستان‌شناختی، که مقدمهٔ هرگونه عملیات برای مرمت و احیای بناهای کهن است، در سازمان میراث فرهنگی قزوین موجود نیست. این در حالی است که در موقعیتی مشابه در کشور ازبکستان هنگام مرمت حمام صرافان بخارا، که به‌شدت آسیب دیده بود، سه سال متوالی یعنی از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ پژوهش باستان‌شناختی صورت پذیرفته است (Asanova and Dow,2001, 189) و در هنگام مرمت نیز این نکته مدنظر بوده است که احیای آن در کالبد اصلی‌اش یعنی «حمام» در آینده امکان‌پذیر باشد. همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، حفظ کالبد فیزیکی حمام‌های تاریخی بسیار مهم و ارزشمند است، اما بهتر است که این امکان نیز بررسی شود که آیا حفظ این ساختمان‌ها در کالبد اصلی خود، به عنوان گرمابه، آن‌گونه که ترکیه به آن مبادرت کرده، امکان‌پذیر است؟

این کار ترکیه موجب شده است که امروزه مردم دنیا نوع حمام و شیوهٔ استحمامی را که در گسترهٔ جهان اسلام رواج داشته و در واقع سلاجقه آن را به ترکیه بردند، باتغییراتی جزئی به نام حمام ترکی بشناسند (طبسی، ۱۳۸۶، ۵۷-۵۹). پرسش این است که آیا چنین اقدامی در ایران نیز ممکن و مفید است؟ و اگر چنین کاری مقدور نیست آیا ممکن است کاربری همسان با کاربردی اصلی به این ساختمان‌ها داده شود و در واقع سنتی کهن را در قالبی نو و منطبق بر شرایط نوین بهداشتی احیا کنیم؟

فرجام سخن

شهر قزوین، که در نزدیکی پایتخت و در مسیر راه‌های اصلی کشور به سوی غرب و شمال قراردارد، در طول تاریخ محل آمدوشد کاروان‌های تجاری و استقرار آنها بوده است. قزوین عمده رونق و آبادانی‌اش را مدیون موقعیت سوق‌الجیشی خود است. این شهر در دورهٔ قاجار نیز تاجرنشین و در زمرهٔ شهرهای آباد ایران بوده است. کثرت جمعیت ساکن در شهر و نیز کسبه و تجاری که در این دوره برای معامله و سودا به قزوین می‌آمدند، احداث تأسیساتی همچون حمام را، که از ملزومات زندگی در شهرهای اسلامی بوده است، ضروری میکرد. بر این اساس، حمام‌های متعددی در دورهٔ قاجار در شهر ساخته شد که بسیاری از آنها پابرجا مانده‌اند. از جملهٔ این حمام‌ها حمام مشهور حاج میرحسن است که به‌رغم نظر برخی کارشناسان پیش از سال ۱۲۱۵ق و در سال‌های آغازین حکومت قاجار به دست حاج میرحسن، که از شخصیت‌های برجستهٔ اوایل دورهٔ قاجار در قزوین بوده است، احداث شد. این حمام، همان‌گونه که گفته شد، از آسیب‌های ناشی از نوسازی‌های قرن اخیر در امان مانده و ساختار کلی خود را حفظ کرده است. بنابراین، مقایسهٔ این حمام با حمام‌های دورهٔ صفوی قزوین، همچون حمام قجر و حمام بلور، و نیز با حمام‌های قاجاری که به استناد کتیبه و یا متون بعد از تاریخ تقریبی احداث حمام حاج میرحسن ساخته شده‌اند همچون حمام سردار، صفا و میرزاکریم نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب فضایی حمام‌ها، که مبتنی بر اصول حفظ الصحه و نیز رعایت پاکی و ناپاکی بر مبنای اصول فقه اسلامی بوده است، و نیز ساختار کلی و تقسیمات فضایی حمام‌های عمومی قزوین از دورهٔ صفوی تا فرجام سلسلهٔ قاجار تغییری نکرده است و آنچه دستخوش تغییر شده شیوهٔ تزئین و آرایه‌های حمام‌ها بوده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- با تشکر از آقای دکتر اردوان امیرشاهی، از نوادگان حاج میرحسن، که تصویر سندها را در اختیار نگارندگان قرار دادند.

۲- منظور باید آهکبری باشد. گچ چنین کاربردی در حمام ندارد.

۳- امام رافعی (رافعی القزوینی)، ۱۳۷۶ ، ج۱، ص ۵۱- ۵۵ ، ۱۱۷ ، ۱۶۸ ،۱۲۳، ۴۶۵، ۳۹، ۴۷۸، ۱۵۲، ۴۹۶، ۴۹۰، ۱۸۱؛ ج۲: ۱۶۲، ۳۳۶، ۱۲۶، ۳۶۵،۴۹۳، ۴۴۴، ۴۱۱، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۴۳؛ ج۳: ۳۱۴، ۸۹، ۳۶۸، ۸۷، ۳۹۸، ۴۴۳، ۳۶۳، ۳۷۱، ۴۸۸، ۵۳۶، ۱۳۴,

۴- دبیرسیاقی، ۱۳۸۰، ص ۱، ۳، ۲۳، ۳۶، ۵۸، ۰۴، ۱۰۵، ۱۷۱، ۱۸۱، ۲۰۶، ۲۳۰، ۳۷۲، ۳۸۸.

منابع:

(۱۳۸۴)، *نهج الفصاحه*، به کوشش علی کرمی فریدنی، قم، قلم.

ابن اخوه، محمد بن محمد بن احمد قریشی (۱۳۴۷)، *آئین شهرداری*، ترجمه جعفرشعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۵)، *صوره الارض*، ترجمه جعفرشعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۳۵۷)، *قانون درطب*،کتاب اول، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، تهران، دانشگاه تهران.

ادیب الممالک، عبدالعلی (۱۳۴۹)، *دافع الغرور*، به کوشش ایرج افشار، تهران، خوارزمی.

اروج بیک، اروج بیک بن سلطان علی بیک (۱۳۳۸)، *دون ژوان ایرانی*، تصحیح مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه ونشرکتاب.

اسکندر بیک منشی (۱۳۵۰)، *عالم آرای عباسی*، ج۱، تهران، امیرکبیر.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم ابن محمدا لفارسی (۱۳۷۳)، *المسالک و الممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاریزدی.

اکبری، پریوش (۱۳۸۹)، *بررسی باستان‌شناختی حمام‌های قاجاری شهر قزوین وتبیین نقش این حمام‌ها در حیات اجتماعی شهر در دوره قاجار*، پایان نامه دکتری باستان شناسی گرایش دوره اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

الئاریوس، آدام (۱۳۶۲)، *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، *سیاست واقتصاد عصرصفوی*، تهران، صفی علیشاه.

بغدادی، ابن بطلان (۱۳۶۶)، *تقویم الصحه*، ترجمه غلامحسین یوسفی، تهران، علمی وفرهنگی.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

پاپادوپلو، الکساندری (۱۳۶۸)، *معماری اسلامی*، ترجمه حشمت جزنی، تهران، مرکز نشرفرهنگی رجا.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.

محمد، پیرنیا کریم (۱۳۷۲)، *آشنایی بامعماری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه علم وصنعت.

چوبک، حمیده (۱۳۷۶)، «مروری بر ویژگیهای معماری وشهرسازی شوش در سده های نخستین اسلامی»، مجموعه *مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ج۵*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۵۴۶-۵۰۵.

(۱۳۶۲)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری.

حسینی استرآبادی، حسن بن مرتضی (۱۳۶۴)، *تاریخ سلطانی*، تصحیح احسان اشراقی، *تهران*، علمی.

الحلبی الشافعی، علی ابن برهان الدین، *السیره الحلبیه، الجزء الاول*، بیروت، مکتبه الاسلامیه، بی تا.

دبیرسیاقی، محمد (۱۳۸۱)، *سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن: از آغاز تا سال ۱۳۲۰ هجری شمسی*، قزوین، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) و حدیث امروز.

دروویل، گاسپار (۱۳۶۴)، *سفر درایران*، ترجمه منوچهراعتماد مقدم، تهران، شباویز.

رازی، امین احمد (۱۳۷۸)، *تذکره هفت اقلیم*، ج۳، به تصحیح محمد رضا طاهری، تهران، سروش.

الرافعی القزوینی، امام الدین عبد الکریم بن محمد (۱۳۷۶)، *التدوین فی اخبارقزوین، ج۱*، تصحیح عزیزالله عطاردی، مشهد، عطارد.

رستم الحکما، محمد هاشم آصف (۱۳۷۹)، *رستم التواریخ*، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس.

رضوی برقعی، سید حسین (۱۳۸۸)، «معماری حمام در متون طب کهن و مقدمه رساله دلاکیه»، *گلستان هنر*، سال پنجم، شماره ۱۵، صص۶۹-۶۴.

سیف الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۴)، *سفرنامه سیف الدوله*، تصحیح و تحشیه علی اکبرخداپرست، تهران، نشرنی.

شاه محمد پور، علیرضا (۱۳۷۹)، «حمام های بیشابور»، مجموعه *مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ج۳، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صص ۱۵۷-۱۳۸.

شهری، جعفر (۱۳۵۷)، *تهران قدیم*، ج۱، تهران، امیرکبیر.

طبسی، محسن (۱۳۸۶)، *شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر تغییرات کالبدی و عملکردی گرمابه‌های ایران در دوره صفوی*، رساله دوره دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، منتشرنشده.

عبدی بیگ، زین العابدین علی بن عبدالمومن شیرازی (۱۹۷۴)، *دوحه الازهار*، به‌کوشش بوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو.

_____ (۱۹۷۹)، *جته الاثمار، زینت الاوراق، صحیفه الاخلاص*، به‌کوشش رحیموف، مسکو.

عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۶)، *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، تهران، امیرکبیر.

فخارتهرانی، فرهاد (۱۳۶۶)، «حمام‌ها»، *معماری ایران دوره اسلامی*، به‌کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، صص۱۶۶-۱۹۹.

_____ (۱۳۷۹)، «حمام‌ها در نظرگاه زمان»، *صفه*، سال دهم، شماره ۳۰، صص۱۰۵-۹۴.

_____ (۱۳۸۴)، « حمام به شیوه اصفهانی، مجموعه *مقالات همایش حمام در فرهنگ ایرانی*، تهران، پژوهشکده مردم شناسی، صص ۲۲-۱۹.

فراهانی، میرزا محمد حسین (۱۳۶۲)، *سفرنامه*، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، فردوسی.

قاضی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسن الحسینی قمی (۱۳۵۹)، *خلاصه التواریخ*، ج۱، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.

قبادیان، وحید (۱۳۸۲)، *بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران*، تهران، دانشگاه تهران.

قزوینی، زکریابن محمد (۱۳۷۳)، *آثارالبلاد واخبارالعباد*، ج۲، به تصحیح محمد شاه مرادی، تهران، دانشگاه تهران.

کرجی، ابوبکر محمدبن الحسین الحاسب (۱۳۴۵)، *استخراج آبهای پنهانی*، ترجمه حسین خدیوجم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

کونئو، پائولو (۱۳۸۴)، *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، تهران، وزارت مسکن.

گلریز، محمدعلی (۱۳۸۱)، *مینودر یا باب الجنه قزوین*، قزوین، طه.

محقق، مهدی (۱۳۴۹)، *فیلسوف ری*، تهران، انجمن آثارملی.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نزهه القلوب*، تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب.

ملک الاطبا، محمد کاظم گیلانی (۱۳۸۷)، *حفظ الصحه ناصری*، تصحیح و تعلیق رسول چوپانی، تهران، المعی.

منجم باشی، ملاجلال (۱۳۶۶)، *روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف الله وحیدی، تهران، وحید.

ناصرخسرو قبادیانی، ابومعین (۱۳۷۳)، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.

نجمی، ناصر (۲۵۳۶)، *داراخلافه تهران*، تهران، امیرکبیر.

نورمحمدی، مهدی (۱۳۸۱)، *مشاهیرقزوین*، قزوین، سایه گستر.

_____ (۱۳۸۸)،«بلدیه در گذرزمان(۴)»، پیام شهر(هفته نامه)، ش۱۶۸، ص۶.

واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲)، *خلد برین* :(ایران در روزگارصفویان)، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاریزدی.

ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، *سیمای تاریخ وفرهنگ قزوین*، ج۱و ج۳، تهران، نشرنی.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله (۱۳۷۴)، *مراصد الاطلاع*، بغداد، دارالاحیاء کتب عربی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۳)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

Amirshahi, Ardavan, *La ville de Qazvin en Iran* et evolution *de sa zone commerciale*, these de doctorat du 3eme cycle, University de Paris Sorbonne - Paris IV, Paris 1987.

Asanova, Galina, and Dow, Marthin, (2001), "The Sarafan Bath in Bukhara", *IRAN,* Vol. XXXIX*,* pp.187- 205.

Kiani, M.Y., *The Islamic City of Gurgan*, Archäologische *Mitteilungen aus Iran* 11, Berlin, 1984.

Whitehouse, David, "Excavation at Siraf: Fifth Interim Report"*,IRAN,*Vol *X ,*197*2,* pp.74-76.

Wilkinson, Charles K. (1986), *Nishapur: Some Early Islamic Buildings and Their Decoration*. New York: Metropolitan Museum of Art.

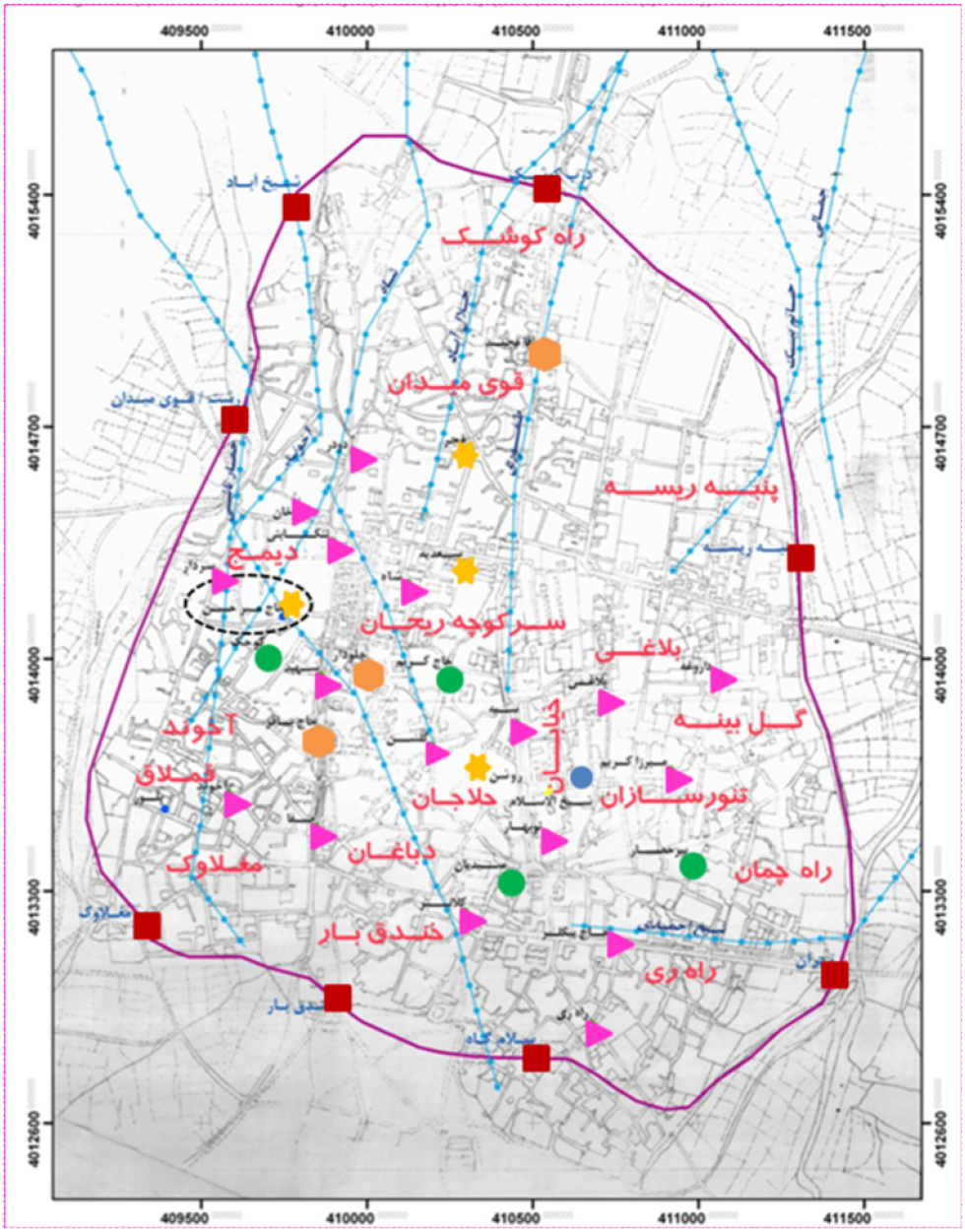

راهنمای نقشه

- حمام های موجود با کاربری حمام
- حمام های تغییر کاربری یافته
- حمام های از بین رفته
- حمام های به شدت آسیب دیده

دروازه

محدوده قاجار

قنات

سرکوچه ریحان نام محله

حمام حاج میر حسن

N

0 100 200 400 600 800 M

نقشه ۱: موقعیت حمام حاج میر حسن در محدوده شهر قزوین در دوره قاجار و در میان سایر حمام های قاجاری بر نقشه زمین مرجع شده سال ۱۳۰۶ ش